

کنش‌وری خانوادگی، هویت شخصی و رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانی

Family Functioning, Personal Identity and Problem Behavior in Adolescence

Zohreh Majdabadi Farahani, PhD
Payam-e-Noor University

Valiollah Farzad, PhD
Tarbiat Moallem University

دکتر ولی‌الله فرزاد
استادیار دانشگاه تربیت معلم

دکتر زهره مجدآبادی فراهانی
استادیار دانشگاه پیام نور

Mehrnaz Shahraray, PhD
Tarbiat Moallem University

Alireza Moradi, PhD
Tarbiat Moallem University

دکتر علیرضا مرادی
استاد دانشگاه تربیت معلم

دکتر مهرناز شهرآرای
استاد دانشگاه تربیت معلم

چکیده

هدف این پژوهش شناخت نقش هویت در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین در نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰ دانش‌آموز پایه دوم راهنمایی (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) بود. کنش‌وری خانوادگی برحسب نشانگرهای ارتباط والد - نوجوان، دلمشغولی والدین و والدگری مثبت و رفتار مشکل‌آفرین با نشانگرهای رفتار پرخاشگرانه، رفتار نقض قانون و مشکلات توجه، عملیاتی شدند. الگوهای معادله ساختاری نشان دادند که ۲۲ درصد از کل رابطه (مستقیم و غیرمستقیم) بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین از خلال دو متغیر هویت عمل می‌کند و سردرگمی هویت به طور نسبی رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین را واسطه‌گری می‌کند. یافته‌های این پژوهش مطرح ساختند که هم کنش‌وری خانوادگی و هم هویت نقش مهمی در هدایت نوجوانان به سمت رفتار مشکل‌آفرین یا دورشدن آنها از چنین رفتارهایی دارند. در مورد مضامین مداخله‌ای نیز بحث شد.

واژه‌های کلیدی: نوجوانی، هویت شخصی، کنش‌وری خانوادگی، رفتار مشکل‌آفرین، واسطه‌گری

Abstract

The purpose of this research was to examine the role of identity in the relationship between family functioning and problem behavior in a sample of 300 (150 females, 150 males) second year middle school students. Family functioning was operationalized in terms of parent-adolescent communication, parental involvement and positive parenting. Problem behavior was operationalized in terms of aggressive behavior, rule breaking behavior, and attention problems. Structural equation models indicated that 22% of the total (direct and indirect) relationships between family functioning and problem behavior operated through identity variables, and identity confusion partially mediated the relationship between family functioning and early adolescent problem behavior. The present findings suggested that both family functioning and identity may play important roles in directing young adolescents toward or away from problem behavior. Implications for intervention were discussed.

Key words: adolescence, personal identity, family functioning, problem behavior, mediation

received: 12 Nov 2010

accepted: 5 March 2011

دریافت: ۸۹/۸/۲۱

پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۵

مقدمه

در اوایل دوره نوجوانی، یک رشته تغییرات جسمانی، بین‌شخصی^۱ و درون‌شخصی آغاز می‌شوند. یکی از این تغییرات، آغاز جستجوی فعال یک شخصیت متمایز^۲ است. از زمان نظریه‌پردازی اریکسون^۳ در باب تحول روانی اجتماعی، تحول هویت تکلیف روانی اجتماعی بنیادی در دوره نوجوانی، قلمداد شده است (هال و براسارد، ۲۰۰۸). پیش از نوجوانی، هویت کودک مانند تکه‌های پارچه‌ای است که به یکدیگر دوخته نشده‌اند، اما تا پایان نوجوانی این تکه‌ها به صورت لباس چهل تکه‌ای که منحصر برای فرد است به یکدیگر دوخته خواهند شد. این فرایند توحدیافتگی در مرکز بحران روان‌شناختی پنجم اریکسون (۱۹۶۸ نقل از استاینبرگ، ۲۰۰۵) قرار دارد.

از نظر اریکسون، هویت یک فرایند بنیادی مثبت طی دوره نوجوانی است. احساس منسجم هویت به شخص کمک می‌کند که به تجربه‌هایش سازمان و معنا دهد و تصمیمات و رفتارهایش را هدایت کند؛ در صورتی که احساس پراکنده و سردرگم^۴ هویت، شخص را نسبت به رویدادهای بیرونی آسیب‌پذیر می‌کند (اریکسون، ۱۹۵۰، ۱۹۶۸ نقل از شوارتز، پانتن، پرادو، سالیوان و شاپوچنیک، ۲۰۰۵؛ کوت و لوین، ۲۰۰۲).

در دوره نوجوانی، نه‌تنها شکل‌گیری روندهای تحولی مثبت همچون یک هویت منسجم آغاز می‌شود، بلکه رفتارهای مشکل‌آفرین نیز معمولاً ظاهر می‌شوند و افزایش می‌یابند (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵). جسور^۵ و جسور^۶ (۱۹۷۷ نقل از کوستا، ۲۰۰۸)، رفتارهای مشکل‌آفرین را رفتارهایی تعریف می‌کنند که از نظر اجتماعی به عنوان یک مشکل، منبع نگرانی یا نامطلوب در نظر گرفته می‌شوند و وقوع آنها نوعی پاسخ اجتماعی را به دنبال دارد. بدین ترتیب، رفتارهای مشکل‌آفرین حوزه وسیعی را دربرمی‌گیرند. این رفتارها ممکن است شامل اعمال غیرقانونی آشکار، همچون دزدی از مغازه، یا رفتارهای به ظاهر کمتر جدی، مثل عدم اطاعت از قوانین والدین یا مراجع مدرسه، باشد (گالامبوس، ۲۰۰۴).

اگرچه شواهدی دال بر رابطه منفی بین این فرایندهای تحولی مثبت و منفی وجود دارد (برای مثال، آدامز و دیگران، ۲۰۰۱؛ وایرز، باروکاس و هولنیک، ۱۹۹۴)، مطالعاتی که به این روابط پرداخته‌اند عموماً عوامل بافتی (برای مثال، کنش‌وری خانوادگی) را که ممکن است به هویت و به رفتار مشکل‌آفرین در دوره نوجوانی مربوط باشند، مورد نظر قرار نداده‌اند. اثرات کنش‌وری خانوادگی بر هویت نوجوان (برای مثال، گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۵؛ رزمی، ۱۳۸۳) و بر رفتار مشکل‌آفرین نوجوان (برای مثال، کیگان-امون و مولدر، ۲۰۰۵؛ فیروزصمدی، ۱۳۸۰) به طور گسترده (و جداگانه) مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج عموماً نشان داده‌اند که کنش‌وری سازش‌یافته خانوادگی (برای مثال، ارتباط مثبت، دلمشغولی والدین در مورد زندگی نوجوان^۷) با احساس منسجم هویت رابطه مثبت و با رفتار مشکل‌آفرین رابطه منفی دارد، اما تاکنون مطالعه‌ای که روابط بین کنش‌وری خانوادگی را با هویت و رفتار مشکل‌آفرین در یک مطالعه واحد نشان دهد در داخل کشور گزارش نشده است و در خارج از کشور نیز در این رابطه، شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) در قالب یک پژوهش مقطعی در ۱۸۱ نفر نوجوان اسپانیایی مهاجر در آمریکا با میانگین سنی ۱۲/۷ سال (۹۲ پسر و ۸۹ دختر) براساس روش مدل‌یابی معادله ساختاری به این نتیجه دست یافتند که کنش‌وری ضعیف خانوادگی با افزایش سردرگمی هویت مرتبط است و نشان دادند که ۲۰ درصد رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین به طور غیرمستقیم از خلال دو متغیر هویت عمل می‌کند. در این تحقیق، کنش‌وری خانوادگی برحسب نشانگرهای دلمشغولی والدین در مورد زندگی نوجوان، والدگری مثبت، حمایت والدین و ارتباط والد - نوجوان اندازه‌گیری شده است.

بدین ترتیب انجام پژوهشی در مورد روابط کنش‌وری خانوادگی، هویت و رفتار مشکل‌آفرین در یک مطالعه واحد و به طور همزمان امکان می‌دهد که نقش هویت در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین

1. interpersonal
2. distinct personality
3. Erikson, E. H.

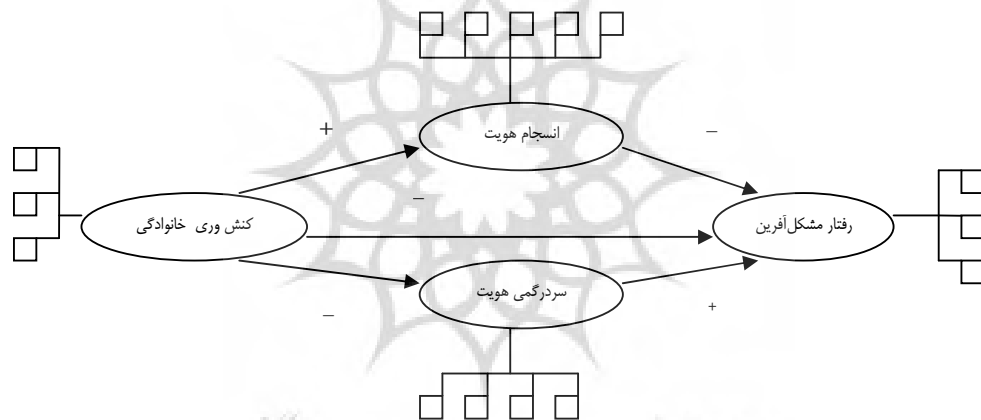
4. confused
5. Jessor, R.
6. Jessor, S.

7. parent involvement

دهد و تصمیمات و رفتارهایش را هدایت کند، ممکن است هویت در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین نقشی بازی کند. در مجموع، با در نظر گرفتن مطالب بالا مدلی نظری همچون شکل ۱ می‌توان تدوین کرد و آن را مورد آزمون قرار داد. مسئله اصلی پژوهش کنونی این است که آیا روابط کنش‌وری خانوادگی، هویت و رفتار مشکل‌آفرین در قالب مدل شکل ۱ برازش کافی دارد. در رابطه با این مسئله اصلی، دو سؤال مطرح می‌شود:

- ۱) آیا انسجام هویت، اثر واسطه‌گر در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین دارد؟
- ۲) آیا سردرگمی هویت، اثر واسطه‌گر در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین دارد؟

در نوجوانان ایرانی که در اوایل نوجوانی به سر می‌برند، بررسی شود. براساس الگوی زیست‌روانی اجتماعی^۱ داج و پتیت (۲۰۰۳) فرایندهای بافتی در فرایندهای درونی نوجوان تأثیر می‌گذارند که این امر به نوبه خود، آمادگی زیستی^۲ نوجوان را نسبت به انواع خاصی از رفتارها تغییر می‌دهد. بنابراین، با توجه به الگوی داج و پتیت و نتایج پژوهشهایی که نشان داده‌اند کنش‌وری سازش‌یافته خانوادگی با هویت منسجم رابطه مثبت، هویت منسجم با رفتار مشکل‌آفرین رابطه منفی و کنش‌وری سازش‌یافته خانوادگی به طور منفی با رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانی رابطه دارد و به خصوص نظریه اریکسون (۱۹۵۰) نقل از شوارتز و دیگران، (۲۰۰۵) که هویت منسجم به نوجوان کمک می‌کند که به تجربه‌هایش سازمان و معنا



شکل ۱. مدل رفتار مشکل‌آفرین. سازه‌های مکنون در بیضی و متغیرهای مشاهده شده در مربع نشان داده شده است.

نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۰۰ دانش‌آموز (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) پایه دوم راهنمایی (گروه سنی ۱۲ تا ۱۳ سال) شهر تهران بود که به روش نمونه‌برداری چند مرحله‌ای انتخاب شد. کلیه ابزارهای پژوهش ترجمه معکوس شدند و برای تضمین روایی محتوایی، پرسشنامه‌های آماده شده به سه متخصص روان‌شناسی ارائه و پس از اعمال نظرهای ایشان، برای اجرای اولیه آماده شدند. به دنبال این مرحله، پرسشنامه‌ها به طور مقدماتی در تعداد محدودی از افراد نمونه تحقیق اجرا شدند که نمره اعتبار پرسشنامه‌ها با روش آلفای کرونباخ، مبین ثبات درونی ابزارهای اندازه‌گیری در پژوهش

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد فرض شده است که مسیر کنش‌وری خانوادگی و انسجام هویت مثبت، مسیر انسجام هویت و رفتار مشکل‌آفرین منفی، مسیر کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین منفی، مسیر کنش‌وری خانوادگی و سردرگمی هویت منفی و در نهایت مسیر سردرگمی هویت و رفتار مشکل‌آفرین مثبت است.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع غیرآزمایشی است که در آن از روش مدل‌یابی معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

بودند. ابزارهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری متغیرهای کنش‌وری خانوادگی، هویت و رفتار مشکل‌آفرین عبارت بودند از:

مقیاس شیوه‌های والدگری^۱ (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵، برگرفته از گورمن-اسمیت، تولان، زلی و هیسمن، ۱۹۹۶): بافت خانواده برحسب متغیرهای (۱) دلمشغولی والدین در مورد زندگی نوجوان، (۲) والدگری مثبت و (۳) ارتباط والد-نوجوان عملیاتی شده است. دلمشغولی والدین در مورد زندگی نوجوان و والدگری مثبت با استفاده از این مقیاس اندازه‌گیری شدند. زیرمقیاس دلمشغولی والدین (۱۱ گویه) میزان رغبت والدین و نگرانی آنها را درباره زندگی نوجوان می‌سنجد. پاسخها بر مبنای مقیاس لیکرت درجه-بندی شده‌اند. نمره‌های بالاتر در این زیرمقیاس مبین رغبت و نگرانی بیشتر والدین است (برای مثال «وقتی خانه نیستید، آیا والدین تان می‌دانند که با چه کسانی بیرون هستید؟»). زیرمقیاس والدگری مثبت (۱۰ گویه) میزان بهره‌گیری والدین از پاداشهای مثبت و تشویق رفتار مناسب را می‌سنجد. پاسخها بر مبنای مقیاس لیکرت سه درجه‌ای (تقریباً هرگز، ۱؛ بعضی اوقات، ۲؛ بیشتر اوقات، ۳) درجه‌بندی شده‌اند (برای مثال، «وقتی شما کاری انجام داده باشید که والدین تان دوست دارند یا آن را می‌پسندند، آیا آنها به شما لبخند می‌زنند؟»). گورمن-اسمیت و دیگران (۱۹۹۶)، اعتبار زیرمقیاسها را ۰/۶۸ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند. این زیرمقیاسها در چندین پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند (برای مثال، شوارتز و دیگران، ۲۰۰۶؛ شوارتز و میسون، پانتن و زاپوکزینک، ۲۰۰۹). این پژوهشگران اعتبار زیرمقیاسهای مذکور را ۰/۷۵ تا ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر اعتبار دو زیرمقیاس از مقیاس شیوه‌های والدگری با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. اعتبار زیرمقیاس دلمشغولی والدین و زیرمقیاس والدگری مثبت، ۰/۶۲ به دست آمد.

مقیاس ارتباط والد-نوجوان^۲ (بارنز و السون، ۱۹۸۵): این مقیاس کیفیت و محتوای ارتباط بین والد و نوجوان را می‌سنجد. فرم نوجوان ۴۰ گویه دارد که نوجوانان در

مورد کیفیت و محتوای ارتباطی که با مادرشان (۲۰ گویه) و پدرشان (۲۰ گویه) ادراک می‌کنند، گزارش می‌دهند (برای مثال، «مادرم همیشه با صبر و دلسوزی به من گوش می‌دهد»). در پژوهش حاضر، گویه‌های مربوط به والد گزارش‌دهنده مورد تحلیل قرار گرفتند. بارنز و السون (۱۹۸۵) برای فرم نوجوان $\alpha = 0.86$ را گزارش می‌دهند. این مقیاس در چندین پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) در پژوهش خود برای گزارش نوجوان به $\alpha = 0.87$ دست یافته‌اند. برابر (۲۰۰۵) شواهدی دال بر روایی پیش‌بین و سازه و اعتبار این مقیاس را گزارش داده است. در پژوهش کنونی، اعتبار مقیاس ارتباط والد-نوجوان با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بود.

سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون^۳ (روزنتال، گورنی و مور، ۱۹۸۱): هویت شخصی نوجوان به وسیله زیرمقیاس هویت این سیاهه (سردرگمی هویت، ۶ گویه؛ انسجام هویت، ۶ گویه) سنجیده شد. این زیرمقیاس احساس نوجوانان را در مورد کیستی و باورهایشان اندازه‌گیری می‌کند. شش گویه در جهت مثبت (یعنی به سمت انسجام هویت) و شش گویه در جهت منفی (یعنی، به سمت سردرگمی هویت) نوشته شده‌اند. نمونه‌ای از گویه‌های این زیرمقیاس از این قرار است: «من کاملاً می‌دانم می‌خواهم چه کسی باشم» (انسجام هویت) و «واقعاً نمی‌دانم چه کسی هستم» (سردرگمی هویت). سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون برای استفاده در گروه نوجوانان (اوایل، اواسط و اواخر نوجوانی) و نیز بزرگسالی طراحی شده است. براساس گزارش روزنتال و دیگران (۱۹۸۱) این سیاهه، یک زیرمقیاس منفرد از هویت به دست می‌دهد، اما نتایج برخی از پژوهشهای انجام شده (برای مثال، شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵؛ شوارتز و دیگران، ۲۰۰۹) حاکی از دو عاملی بودن زیرمقیاس هویت است؛ یعنی، انسجام هویت و سردرگمی هویت دو زیرمقیاس جدا را توصیف می‌کنند و بدین ترتیب، نمایش بهتری از داده‌ها فراهم می‌آید. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره‌های انسجام هویت ۰/۸۰ و برای سردرگمی هویت

یافته‌ها

شاخصهای توصیفی و ضرایب همبستگی مرتبه صفر متغیرهای نشانگر پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. الگوی ساختاری در شکل ۲ نشان داده شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود کنش‌وری خانوادگی با متغیرهای سردرگمی هویت $\beta = -0/64$ ، $P < 0/001$ و رفتار مشکل‌آفرین $\beta = -0/52$ ، $P < 0/001$ به طور منفی و با انسجام هویت $\beta = 0/43$ ، $P < 0/001$ به طور مثبت رابطه داشت. همچنین سردرگمی هویت با رفتار مشکل‌آفرین $\beta = 0/22$ ، $P < 0/05$ به طور مثبت مرتبط بود.

هوپر، کاگن و مولن (۲۰۰۸) در بازنگری دستور-عملهایی که در مورد شاخصهای برازش الگو شده است، پیشنهاد می‌کنند که در گزارشها، همواره مجذور خی به همراه درجه آزادی آن، ارزش P ، ریشه دوم واریانس خطای تقریب و فواصل اطمینان مرتبط با آن، جذر برآورد واریانس پس‌ماند استاندارد شده، شاخص برازندگی تطبیقی و یک شاخص برازش اقتصادی قید شوند. براساس معیارهای $CFI \geq 0/90$ ، $RMSEA \leq 0/08$ (کلاين^۲، ۲۰۰۶) نقل از شوارتز و دیگران، (۲۰۰۹)، $\chi^2/df < 2$ (تاباچنیک^۳ و فیدل^۴، ۲۰۰۷) نقل از هوپر و دیگران، (۲۰۰۸) و $SRMR < 0/08$ (هو^۵ و بنتلر^۶، ۱۹۹۹) نقل از هوپر و دیگران، (۲۰۰۸)، الگو از برازش قابل قبولی برخوردار است.

اثرات غیرمستقیم و آزمون واسطه‌گری: برای محاسبه میزان رابطه غیرمستقیم کنش‌وری خانوادگی با رفتار مشکل‌آفرین (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵)، در ابتدا دو ضریب مسیر استاندارد که هر مسیر غیرمستقیم را تشکیل می‌دادند در یکدیگر ضرب شدند. برای بررسی میزان رابطه غیرمستقیم کنش‌وری خانوادگی از خلال هویت منسجم، دو ضریب مسیر استاندارد (الف) بین کنش‌وری خانوادگی و انسجام هویت (۰/۴۳) و (ب) بین انسجام هویت و رفتار مشکل‌آفرین (۰/۰۱) در یکدیگر ضرب شد (۰/۰۰۴). برای بررسی میزان رابطه غیرمستقیم کنش‌وری خانوادگی از خلال هویت سردرگم، دو ضریب مسیر استاندارد (الف) بین کنش‌وری خانوادگی و سردرگمی هویت (۰/۶۴)

۰/۷۰ گزارش شده‌اند (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۹). روزنتال و دیگران (۱۹۸۱) و ریس و یانیس (۲۰۰۴) شواهدی دال بر روایی و اعتبار زیرمقیاس هویت سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون را گزارش کرده‌اند. در این پژوهش اعتبار دو زیرمقیاس هویت با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. اعتبار زیرمقیاس انسجام هویت ۰/۷۰ و زیرمقیاس سردرگمی هویت ۰/۶۲ به دست آمد.

پرسشنامه خودگزارش‌دهی نوجوان^۱ (آشنباخ، ۲۰۰۱): برای سنجش رفتار مشکل‌آفرین از سه زیرمقیاس رفتار پرخاشگرانه (۱۷ گویه)، رفتار نقض قانون (۱۱ گویه) و مشکلات توجه (۹ گویه) این پرسشنامه استفاده شد. خاطرنشان می‌شود که چهار گویه از زیرمقیاس رفتار نقض قانون بنا به درخواست سازمان آموزش و پرورش شهر تهران به لحاظ وجود گویه‌هایی در مورد مصرف مواد و فعالیت جنسی از مجموعه گویه‌ها حذف و در مجموع از ۴۱ گویه این زیرمقیاس، ۳۷ گویه در نوجوانان اجرا شدند. نمونه گویه‌ها از این قرار است: «من زیاد دعوا می‌کنم» (رفتار پرخاشگرانه)، «من در خانه، مدرسه و جاهای دیگر قوانین را زیر پا می‌گذارم» (رفتار نقض قانون) و «برایم سخت است که حواسم را جمع کنم» (مشکلات توجه). پاسخها بر مبنای مقیاس سه درجه‌ای لیکرت (از ۰، این طور نیست تا ۲، کاملاً این طور است) درجه‌بندی شده‌اند. خودگزارش‌دهی از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول آن صلاحیت نام دارد و بخش دوم به تشخیص مشکلات رفتاری می‌پردازد (نقل از فرزادفرد و هومن، ۱۳۸۷). آشنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) داده‌های وسیعی از روایی و اعتبار این ابزارها را گزارش کرده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاسهای مشکلات توجه، رفتار نقض قانون و رفتار پرخاشگرانه از پرسشنامه خودگزارش‌دهی نوجوان به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۶ گزارش شده‌اند (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). اعتبار زیرمقیاسهای رفتار پرخاشگرانه، رفتار نقض قانون و مشکلات توجه در پژوهش کنونی با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۷۷ و ۰/۷۴ بودند.

1. Youth Self-Report Questionnaire
2. Kline, R. B.

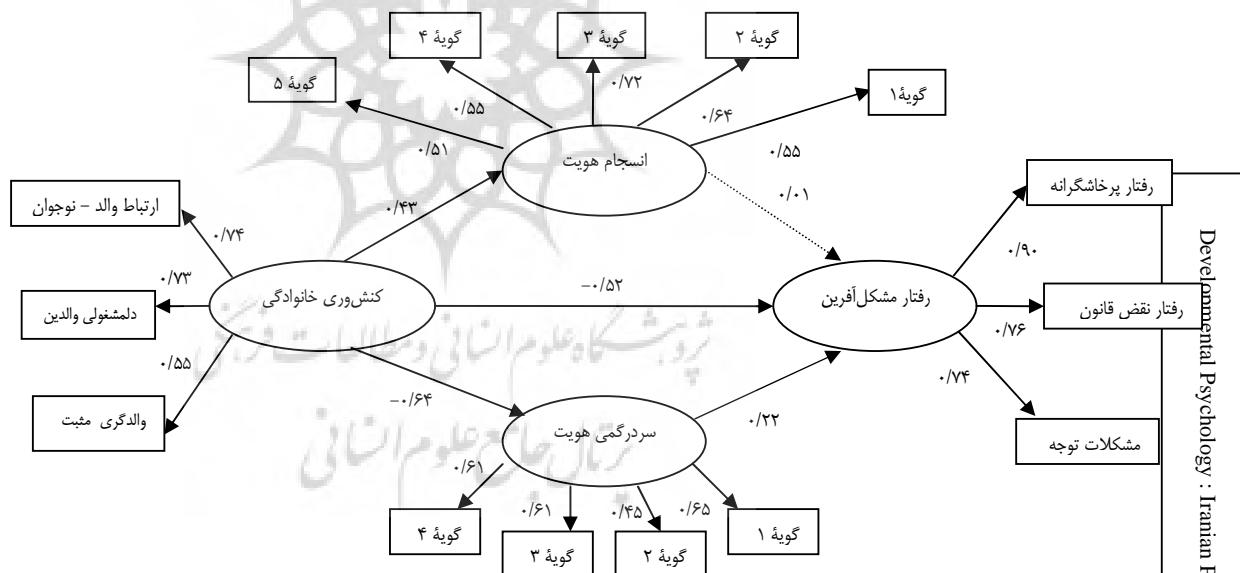
3. Tabachnick, B. G.
4. Fidell, L. S.

5. Hu, L. T.
6. Bentler, P.

جدول ۱

ضریب همبستگی مرتبه صفر، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کنش‌وری خانوادگی															
۱. ارتباط یا والدین	-.۴۷۹**														
۲. دلمشغولی والدین	-.۴۲۶**	-.۳۷۲**													
۳. والدگری مثبت			-.۱۷۲**												
انسجام هویت				-.۱۸۸											
۴. سؤال ۲	-.۱۴۳*	-.۱۲۳*	-.۱۳۳*												
۵. سؤال ۴	-.۲۵۴**	-.۱۳۰*	-.۱۵۶**	-.۴۲۰**											
۶. سؤال ۵	-.۲۰۱**	-.۰۹۸	-.۳۳۷**	-.۳۳۰**	-.۳۸۸**										
۷. سؤال ۶	-.۲۲۷**	-.۰۹۷	-.۱۶۵**	-.۳۰۱**	-.۲۸۷**	-.۲۹۱**									
۸. سؤال ۹							-.۲۶۶**								
سردرگمی هویت								-.۱۴۵*							
۹. سؤال ۳	-.۱۵۵**	-.۱۴۴*	-.۱۱۲*	-.۱۴۱*	-.۰۵۵	-.۱۶۳**	-.۱۱۵*	-.۱۷۵**	-.۳۵۷**						
۱۰. سؤال ۷	-.۳۴۳**	-.۲۲۰*	-.۳۱۴**	-.۱۹۲**	-.۰۷۲	-.۱۸۵**	-.۲۴۹**	-.۳۴۲**	-.۳۰۷**	-.۳۰۷**					
۱۱. سؤال ۱۰	-.۳۶۸**	-.۱۳۷*	-.۲۶۳**	-.۰۸۶	-.۰۵۴	-.۱۴۹**	-.۰۶۷	-.۱۴۶*	-.۳۸۲**	-.۳۳۷**	-.۳۸۲**				
۱۲. سؤال ۱۲												-.۳۲۷**			
رفتار مشکل‌آفرین															
۱۳. رفتار پرخاشگرانه	-.۳۴۶**	-.۴۴۶**	-.۱۳۳*	-.۱۸۵**	-.۰۷۶	-.۱۴۹*	-.۱۱۹*	-.۲۸۳**	-.۲۷۶**	-.۲۱۵**	-.۲۸۲**	-.۳۲۷**			
۱۴. رفتار نقض قانون	-.۲۷۶**	-.۴۴۸**	-.۱۴۲*	-.۰۸۷	-.۰۵۵	-.۰۱۰	-.۰۰۲	-.۱۶۸**	-.۱۶۸**	-.۰۸۰	-.۱۵۹**	-.۱۵۱**	-.۱۶۸**		
۱۵. مشکلات توجه	-.۳۸۸**	-.۲۳۲**	-.۲۵۵**	-.۱۶۹**	-.۰۷۰	-.۰۲۰*	-.۱۲۰*	-.۴۱۱**	-.۴۱۱**	-.۲۷۸**	-.۳۵۸**	-.۳۹۴**	-.۱۶۵**	-.۴۸۱**	
M	۴۰/۷۰	۱۹/۴۴	۱۵/۷۰	۳۰/۶۶	۳/۴۲	۳/۵۲	۳/۸۶	۳/۶۴	۳/۶۴	۲/۵۹	۲/۱۰	۲/۵۲	۶/۸۹	۲/۳۱	۴/۸۱
SD	۸/۰۹	۳/۱۲	۳/۰۸	۱/۱۶	۱/۱۵	۱/۲۱	۱/۱۲	۱/۲۰	۱/۲۰	۱/۳۰	۱/۱۹	۱/۴۲	۵/۳۴	۲/۵۹	۳/۴۸
SKEW	-.۰۷۸۸	-.۰۹۵۶	-.۳۷۸	-.۱۵۵۲	-.۰۵۰۴	-.۰۵۶۷	-.۰۹۳۸	-.۰۶۲۸	۱/۰۲۷	۰/۳۷۴	۰/۹۴۸	۰/۴۶۸	۰/۶۸۹	۱/۲۷۴	۰/۶۱۹
KURT	۰/۱۸۴	۱/۱۶۴	۰/۳۱۹	-.۱۵۲۴	-.۰۵۲۶	-.۰۴۱۱	-.۰۴۵۱	-.۰۴۲۸	۰/۴۶۱	۰/۹۳۹	-.۰۱۰	-.۱/۰۳	-.۲/۲۶۷	۱/۳۲۳	۰/۰۷۶

* $P < .05$. ** $P < .01$.

شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل

سازه‌های مکنون در بیضی و متغیرهای مشاهده شده در مربع نشان داده شده است. همه ضرایب به جز ضریب مسیر انسجام هویت به رفتار مشکل‌آفرین در سطح $P < .05$ معنادار است. $\chi^2/df = 164/01$ ؛ $\chi^2 = 85$ ؛ $df = 193$ ؛ ریشه دوم واریانس خطای تقریباً 0.059 (0.045 ؛ 0.072)؛ شاخص برازندگی تطبیقی 0.96 ؛ جذر برآورد واریانس پس ماند استاندارد شده 0.61 ؛ شاخص برازش اقتصادی 0.66 .

هویت عمل کرده است، مجموع این دو حاصل ضرب، یعنی، 0.004 و -0.14 با ضریب مسیر مستقیم کنش‌وری خانوادگی با رفتار مشکل‌آفرین (-0.52) محاسبه شد $[(-0.14) + (0.004) + (-0.52 = -0.66)]$ و هر ضریب

و (ب) بین سردرگمی هویت و رفتار مشکل‌آفرین (0.22) در یکدیگر ضرب شد (-0.14). برای محاسبه این که چند درصد از کل رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین به طور غیرمستقیم از خلال متغیرهای

وارد کردن ضریب مسیر غیراستاندارد بین کنش‌وری خانوادگی و سردرگمی هویت ($-0/64$) و خطای استاندارد برآورد آن ($0/09$) و ضریب مسیر غیراستاندارد بین سردرگمی هویت و رفتار مشکل‌آفرین ($0/22$) و خطای استاندارد برآورد آن ($0/10$) و با اعلام سطح آلفای $0/05$ ، فاصله اطمینان 95 درصد، $-0/27963$ (محدوده پایین) تا $0/1608$ (محدوده بالا) دامنه داشت. از آنجا که این دامنه شامل صفر نشد، نتیجه گرفته شد که سردرگمی هویت به طور نسبی رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین را واسطه‌گری می‌کند.

بحث

این پژوهش به منظور تعیین نقش هویت در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین اجرا شد و یافته‌های ارزشمندی دربرداشت. یک یافته این بود که کنش‌وری خانوادگی به طور منفی با رفتار مشکل‌آفرین هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم از خلال فرایندهای هویت رابطه دارد. فرایندهای هویت 22 درصد از رابطه کلی بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین نوجوان را تبیین کردند. شوارتز و دیگران (2005) در پژوهشی که در نمونه نوجوانان اسپانیایی تبار در آمریکا انجام دادند به تبیین 20 درصدی دست یافتند. این یافته که کنش‌وری خانوادگی با رفتار مشکل‌آفرین در اوایل نوجوانی ارتباط منفی دارد در پژوهشهای پیشین به طور موثق گزارش شده است (برای مثال، پتیت، لئرد، داج، بیتس و کریس، 2001 ؛ اسماتنا، کرین و دادیس، 2002). اگرچه درجات خفیفی از سردرگمی هویت و رفتار مشکل‌آفرین در اوایل نوجوانی، هنجاری است (آرچر، 1982 ؛ موآن، پیکلز، رو، کاستلو و آنگولد، 2000)، نتایج پژوهش حاضر مبین آن هستند که کنش‌وری ضعیف خانوادگی هم سردرگمی هویت و هم رفتار مشکل‌آفرین را در اوایل نوجوانی تشدید می‌کند و خانواده‌های واجد کنش‌وری مناسب به حفاظت نوجوانان‌شان در مقابل سردرگمی هویت و رفتار مشکل‌آفرین کمک می‌کنند. افزون بر این، با توجه به این واقعیت که دامنه رفتار مشکل‌آفرین در کودکی احتمالاً به اوایل نوجوانی هم کشیده خواهد

مسیر غیرمستقیم بر این مجموع تقسیم شد. برای ضریب مسیر غیرمستقیم انسجام هویت ($0/01 = 0/66 - 0/04$) و برای ضریب مسیر غیرمستقیم سردرگمی هویت ($0/21 = 0/66 - 0/14$) به دست آمد. بدین ترتیب انسجام هویت 1 درصد و سردرگمی هویت 21 درصد از رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین در اوایل نوجوانی را تبیین کردند؛ بنابراین روی هم رفته، دو متغیر هویت 22 درصد از کل رابطه مستقیم و غیر-مستقیم بین ادراکات نوجوانان از کنش‌وری خانوادگی و سطوح اشتغال آنها را به رفتارهای مشکل‌آفرین را در اوایل نوجوانی تبیین کردند.

همان‌طور که ملاحظه شد کنش‌وری خانوادگی بر رفتار مشکل‌آفرین به طور مستقیم و غیرمستقیم از خلال متغیرهای هویت عمل می‌کرد. از آنجا که صرفاً متغیر سردرگمی هویت و نه انسجام هویت، هم با کنش‌وری خانوادگی و هم با رفتار مشکل‌آفرین رابطه معنادار داشت، سردرگمی هویت، به عنوان متغیر واسطه‌گر بالقوه در نظر گرفته شد. برای آزمون واسطه‌گری، از آزمون توزیع نامتقارن حاصل ضرب (مک‌کینون، لاکوود، هافمن، وست و شیتس، 2002) بهره گرفته شد. این آزمون مبتنی است بر توزیع حاصل ضرب دو مسیر غیراستانداردی که مسیر واسطه‌گری را تعیین می‌کنند، اگر 95 درصد فاصله اطمینان برای این حاصل ضرب شامل صفر نشود، واسطه‌گری نسبی تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر به سه دلیل از این روش به جای روش سنتی بارون و کنی (1986) سود جستیم: (الف) هدف این بود که مسیرهای واسطه‌گری چندگانه (یعنی هم از خلال انسجام هویت، هم سردرگمی هویت) آزمون شود، (ب) آزمون قوی‌تری است و (ج) برای مدل‌یابی معادلات ساختاری مناسبتر است (مک‌کینون و دیگران، 2002 نقل از شوارتز و دیگران، 2005). این پژوهشگران به واسطه‌گری نسبی قایل هستند و استدلال می‌کنند که واسطه‌گری کامل وجود ندارد.

در پژوهش حاضر برای آزمون معناداری واسطه‌گری سردرگمی هویت از برنامه کامپیوتری PRODCLIN (مک-کینون، فریتز، ویلیامز و لاکوود، 2007 ؛ مک‌کینون، ارتباط شخصی، 13 جولای، 2010) بهره گرفته شد. با

شد (برویدی و دیگران، ۲۰۰۳)، براساس یافته‌های کنونی، بهبود در کنش‌وری خانوادگی به جلوگیری از تداوم رفتار مشکل‌آفرین یا تشدید آن در اوایل نوجوانی هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم از خلال کاهش سردرگمی هویت کمک می‌کند.

یک یافته ارزشمند دیگر مطالعه کنونی این بود که اگرچه مقداری از رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین در اوایل نوجوانی از خلال متغیرهای هویت عمل می‌کند، فقط این سردرگمی هویت است که به طور نسبی این رابطه را واسطه‌گری می‌کند. این یافته با پژوهشهای شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) هماهنگ است. این پژوهشگران در نمونه‌ای از نوجوانان اسپانیایی به نقش واسطه‌گر هویت سردرگم در رابطه بین کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین دست یافتند. نتایج پژوهش کنونی مبین آن است که احساس سردرگم هویت شخصی ممکن است موجب اختلال تصمیم‌گیریهای منطقی نوجوان شود و بدین ترتیب عاملی در اشتغال او به رفتار مشکل‌آفرین باشد. همچنین، این یافته هماهنگ است با فرضیه داج و پتیت (۲۰۰۳) که متغیرهای بوم‌شناختی از خلال اثراشان بر متغیرهای درون‌شخصی، در رفتار و سازگاری تأثیر می‌گذارند.

این یافته‌ها را باید در پرتو چند محدودیت در نظر گرفت. شاید جدی‌ترین محدودیت این پژوهش بهره‌گیری آن از طرح مقطعی است. طرح مقطعی به کشف روابط بین کنش‌وری خانوادگی، هویت و رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانان کمک کرده است، اما برای تعیین جهتی که این روابط عمل می‌کنند، مطالعات طولی لازم خواهند بود.

محدودیتی دیگر و محدودیتی شبیه به محدودیت قبلی، آزمون واسطه‌گری در یک مطالعه مقطعی است. بارون و کنی (۱۹۸۶) در تعریف کلاسیک خود از واسطه‌گری مشخص نساخته‌اند که واسطه‌گری باید با زمان بررسی شود، اما منابع روش‌شناختی متأخرتر (برای مثال، کول و ماکسول، ۲۰۰۳) بیان داشته‌اند که طرح‌های طولی آزمونهای بسیار دقیق‌تری از واسطه‌گری فراهم می‌آورند.

اگرچه در پژوهش کنونی شواهد اولیه‌ای برای واسطه‌گری نسبی به دست آمد، برای بررسی بیشتر این نتیجه، اجرای پژوهش‌های طولی ضروری است.

سومین محدودیت این است که کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین در پژوهش کنونی صرفاً با گزارشهای نوجوان اندازه‌گیری شده است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که والدین و نوجوانان دیدگاههای متفاوتی در مورد بافت بوم تحولی نوجوان و سازگاری وی دارند و درک این تفاوتها فی نفسه مهم است (تاین^۱، روسا^۲ و مایکلز^۳، ۱۹۹۴ نقل از شوارتز و دیگران، ۲۰۰۶؛ آشنباخ، دومنسی و رسکورلا، ۲۰۰۲). پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، گزارش والدین در مورد کنش‌وری خانوادگی و رفتار مشکل‌آفرین نیز مورد نظر قرار گیرند. به دلیل محدودبودن نمونه پژوهش به نوجوانان پایه دوم راهنمایی شهر تهران در تعمیم این یافته‌ها به دیگر گروه‌های سنی، قومی و پایه‌های تحصیلی باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، نمونه‌هایی از دانش‌آموزان پرخطر و متعلق به سطوح اقتصادی-اجتماعی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند.

به‌رغم محدودیتهایی که بیان شد، در این مطالعه رابطه مرکب عامل بافتی خانواده و هویت با رفتار مشکل‌آفرین کشف شد. بدین ترتیب، تجاربی که فرد در خانواده دارد و همین‌طور احساس خود نوجوان در تحول رفتار مشکل-آفرین در اوایل دوره نوجوانی تأثیر می‌گذارند. نتایج کنونی مطرح می‌سازند که مداخلاتی که هم بر «خود» و هم بر «بافت» متمرکزند در پیشگیری یا کاهش رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانانی که در اوایل نوجوانی به سر می‌برند مؤثر است. اگرچه بی‌تردید مداخله در بافت بوم تحولی نوجوان برای پیشگیری از پیامدهای مشکل‌آفرین نوجوان اهمیت دارد (پانتن، شوارتز، سالیوان، کوتس ورت و شاپوچنیک، ۲۰۰۳)، باید در مداخلات، احساس خود نوجوان را نیز مورد هدف قرار داد. مداخله در خود و بافت، حداکثر حفاظت را در مقابل خطرهای رفتار مشکل-آفرین فراهم می‌آورد. اتخاذ راهبردهای مداخله‌ای که

maladjustment. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 307-320.

Archer, S. L. (1982). The lower age boundaries of identity development. *Child Development*, 53, 1551-1556.

Barber, B. K. (2005). Positive interpersonal and intrapersonal functioning: An assessment of measures among adolescents. In A. K. Moore, & L. H. Lippman, (Eds.), *What do children need to flourish? Conceptualizing and measuring indicators of positive development* (pp. 147-161). New York Springer Science & Business Media.

Barnes, H. L., & Olson, D. H. (1985). Parent-adolescent communication and the circumplex model. *Child Development*, 56, 438-447.

Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.

Broidy, L. M., Nagin, D. S., Tremblay, R. E., Bates, J. E., Brame, B., Dodge, K. A., & et al. (2003). Developmental trajectories of childhood disruptive behaviors and adolescent delinquency: A six-site, cross-national study. *Developmental Psychology*, 39, 222-245.

Cole, D. A., & Maxwell, S. E. (2003). Testing mediational models with longitudinal data: Questions and tips in the use of structural equation modeling. *Journal of Abnormal Psychology*, 112 (4), 558-577.

Costa, F. (2008). *Problem behavior theory*. Retrieved October 18, 2008 from: <http://www.colorado.edu/ibs/jessor/pbtheory.html>.

برای ارتقای کنش‌وری مثبت در خرده نظام خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرند همراه با مداخلات مبتنی بر خود، سودمند خواهد بود.

منابع

رزمی، م. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر انسجام هویت و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

فرزادفرد، س. و هومن، ح. (۱۳۸۷). نقش آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۴ (۱۵)، ۲۸۷-۲۸۱.

فیروز صمدی، خ. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر تعارضات خانوادگی در بروز نوع اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا.

Achenbach, T. M. (2001). *Youth self-report for ages 11-18*. Retrieved November 7, 2008 from <http://aseba.org/forms>.

Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). Reliability, internal consistency, cross-informant agreement, and stability. In T. M. Achenbach & L. A. Rescorla, *Manuals for the ASEBA school-age forms & profiles* (pp. 99-135). Retrieved December 21, 2009 from <http://www.aseba.org>.

Achenbach, T. M., Dumenci, L., & Rescorla, L. A. (2002). Ten-year comparisons of problems and competencies for national samples of youth: Self, parent and teacher reports. *Journal of Emotional and Behavioral Disorder*, 10 (4), 194-203.

Adams, G. R., Munro, B., Doherty-Poirer, M., Munro, G., Petersen, A., & Edwards, J. (2001). Diffuse-avoidance, normative, and informational identity styles: Using identity theory to predict

- duct confidence limits for the indirect effect: Program PRODCLIN. *Behavior Research Methods*, 39, 384-389.
- MacKinnon, D. P., Lockwood, C. M., Hoffman, J. M., West, S. G., Sheets, V. A. (2002).** A comparison of methods to test mediation and other intervening variable effects. *Psychological Methods*, 7, 83-104.
- Maughan, B., Pickles, A., Rowe, R., Costello, E. J., & Angold, A. (2000).** Developmental trajectories of aggressive and non-aggressive conduct problems. *Journal of Quantitative Criminology*, 16, 199-221.
- Pantin, H., Schwartz, S. J., Sullivan, S., Coatsworth, J. D., & Szapocznik, J. (2003).** An ecodevelopmental, parent-centered approach. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 25, 469-500.
- Pettit, G., Laird, R., Doge, K., Bates, J., & Criss, M. (2001).** Antecedents and behavior-problem outcomes of parental monitoring and psychological control in early adolescence. *Child Development*, 72, 583-598.
- Reis, O., & Youniss, J. (2004).** Patterns in identity change and development in relationships with mothers and friends. *Journal of Adolescent Research*, 19, 31-44.
- Rosenthal, D. A., Gurney, R. M., & Moore, S. M. (1981).** From trust to intimacy: A new inventory for examining Erikson's stages of psychosocial development. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, 525-537.
- Schwartz, S. J., Coatsworth, J. D., Pantin, H., Prado, G., Sharp, E. H., & Szapocznik, J. (2006).** *Cote, J. E., & Levine, C. G. (2002).* *Identity formation, agency and culture: A social psychological synthesis.* Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Doge, K. A., & Pettit, G. S. (2003).** A biopsychosocial model of the development of chronic conduct problems in adolescence. *Developmental Psychology*, 39 (2), 349-371.
- Galambos, N. L. (2004).** Gender and gender role development in adolescence. In Lerner, R. M., & Steinberg, L. (Eds.), *Handbook of adolescent psychology* (pp. 233-262). New York: John Wiley.
- Gorman-Smith, D., Tolan, P. H., Zelli, A., & Huesmann, L. R. (1996).** The relation of family functioning to violence among inner-city minority youth. *Journal of Family Psychology*, 10, 115-129.
- Grotevant, H. D., & Cooper, C. R. (1985).** Patterns of interaction in family relationships and the development of identity exploration in adolescence. *Child Development*, 56, 415-428.
- Hall, S. P., & Brassard, M. R. (2008).** Relational support as a predictor of identity status in an ethnically diverse early adolescent sample. *Journal of Early Adolescent*, 28 (1), 92-114.
- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. R. (2008).** Structural equation modeling: Guidelines for determining model fit. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 6 (1), 53-60.
- Keegan Eamon, M., & Mulder, C. (2005).** Predicting antisocial behavior among Latino young adolescents: An ecological systems analysis. *American Journal of Orthopsychiatry*, 25 (11), 117-127.
- MacKinnon, D. P., Fritz, M.S., Williams, J., & Lockwood, C. M. (2007).** Distribution of the pro-

- rant early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 25 (4), 392-420
- Smetana, J., Crean, H. F., & Daddis, C., (2002).** Family processes and problem behaviors in middle-class African-American adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 12, 275-304.
- Steinberg, L. (2005).** *Adolescence*. New York: McGraw-Hill.
- Wires, J. W., Barocas, R., & Hollenbeck, A. R. (1994).** Determinants of adolescent identity development: A cross-sequential study of boarding school boys. *Adolescence*, 29, 361-378.
- The role of ecodevelopmental context and self-concept in depressive and externalizing symptoms Hispanic adolescents. *International Journal of Behavioral Development*, 30 (4), 359-370.
- Schwartz, S. J., Mason, C. A., Pantin, H., & Szapocznik, J. (2009).** Longitudinal relationships between family functioning and identity development in Hispanic adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 1, 29 (2), 177-211.
- Schwartz, S. J., Pantin, H., Prado, G., Sullivan, S., & Szapocznik, J. (2005).** Family functioning, identity and problem behavior in Hispanic immig-





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی